



ضمیمه هفتگی روزنامه همشهری
صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سر دبیر: دانیال معمار
معاون ضمام: حامد فوقانی
دبیر ویژه‌نامه: ناصر احدی
دبیر اجرایی: مجتبی یارزمان

واحد فنی:
 مدیر فنی: حامد یزدانی
 مدیر هنری: مهدی سلامی
 صفحه آرایی: امید روشنگر
 ویرایش عکس: کامیاب نویدی
 صفحه خوانی و حرف‌چینی: همکاران واحد فنی تحریریه

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵۵۴۴۶
تلفن: ۲۳۰۲۳۶۱۷
نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷
پدیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
چاپ: همشهری
توزیع و اشتراک:
 موسسه نشر گستر امروز نوین

همیشه‌های
گروه ضمام همشهری ناشر نشریات:
 دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایداری، اقتصاد،
 تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها، ماه،
 سرزمین من، معماری، ۲۴، شهرنگار، سرخ و محله
نشانی: تهران، خیابان ولی‌عصر ۱۴، ترسیده به پارکوی،
 کوچه شهید قریشی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری

Jerry & Marge Go Large جری و مارچ پولدار می‌شوند

ژانر: کمدی درام کارگردان: دیوید فرانکل

بازیگران: برایان کرانستن، آنت بنینگ، لری ویلمر، رین ویلسن

داستان: جری بعد از ۴۲ سال کار به‌عنوان مدیر خط تولید کارخانه‌ای در شهر کوچکی در ایالت میشیگان بازنشسته می‌شود اما خودش و همسرش مارچ که سال‌ها منتظر بازنشستگی او بوده‌اند، عملاً دچار ملال‌اند. جری خیلی اجتماعی نیست اما کارش با اعداد خوب است و اتفاقی متوجه می‌شود در نحوه تعیین شماره برنده در بلیت‌های بخت‌آزمایی «وین فال» نقصی وجود دارد که با استفاده از آن می‌تواند پول زیادی به جیب بزند. در حالی که جری و مارچ و دوستانشان روی دور بردند، دانشجویی در هاروارد هم به این نقص آگاه می‌شود و جری را تهدید می‌کند که کنار بکشد. جری اول جامی زندگی بعد محکم می‌ایستد و باطرافیناش از پولی که برنده شده‌اند، لذت می‌برد.

IMDb
6.9/10

Rotten Tomatoes
68%



با خواندن خلاصه داستان فیلم احتمالاً حدس می‌زنید که با فیلم خوش بینانه و ساده‌انگارانه‌ای مواجهید. تقریباً حق دارید اما نه کاملاً. بازی کرانستن که نقشش را جدی گرفته و سرسری با آن تا نکرده و حضور گرم و مؤثر آنت بنینگ که به نقش مارچ وزن داده، فیلم را با این همه کلیشه‌ای که به‌کار برده، قابل تحمل کرده است. برنده شدن در بخت‌آزمایی فرصتی برای ترمیم رابطه جری و مارچ و نزدیک شدن جری به فرزندان و اطرافیناش است. جری با بازنشستگی کارش را که به زندگی و روابطش معنا می‌داده و در نتیجه احساس پوچی می‌کند. فقط وقتی از این احساس خلاصی می‌یابد که خودش را دوباره در حال انجام کاری حس کند: خصوصاً کاری که پولدارش می‌کند و آدم‌ها را به او نزدیک. در اعماق فیلم، بیانیته منفعت طلبانه ناخواسته‌ای در باب ضرورت کار کردن تالب گور و جسیپین به آدم‌های پولدار مدفون است که اگر فیلم را زیاد جدی نگریسد، آزارتان نمی‌دهد.

Daliland دالی لند

ژانر: درام زندگی‌نامه‌ای کارگردان: ماری هازن

بازیگران: بن کینگزلی، باربارا سوکوا، کریستوفر برینی، روبرت گریوز و آزا میلر

داستان: جیمز لینتن جوانی علاقه‌مند به هنر است که به‌عنوان دستیار در یک گالری هنری در نیویورک مشغول به کار است. رئیس گالری در حال برگزاری نمایشگاهی از آثار سالوادور دالی است و جیمز که چشم تیزبینی در هنر دارد، متوجه می‌شود دالی هر بار پای آثارش امضای متفاوتی می‌گذارد. دالی تحت تأثیر تیزبینی جیمز قرار می‌گیرد و او را تا پایان نمایشگاه دستیار خودش می‌کند. به این ترتیب جیمز وارد زندگی دالی می‌شود که تشکیل شده از عادت‌های عجیب و غریب شخصی، عشق بی‌پایان به همسرش گالا، مهمانی‌های پرخرج و نقاشی‌هایی که متأثر از حالات روحی و روانی او است. نمایشگاه دالی با استقبال منتقدان آمریکایی مواجه نمی‌شود و او به همراه همسرش، مدیرش کاپیتان مور و جیمز به اسپانیا برمی‌گردد. جیمز متوجه می‌شود گالا و کاپیتان از دالی سوءاستفاده مالی می‌کنند. افشای این موضوع او را از دالی دور می‌کند تا اینکه در زمان مرگ دالی دوباره به دیدار او می‌رود.

IMDb
6.1/10

Rotten Tomatoes
44%



ظرفیتی که زندگی سالوادور دالی و رفتارها و دوستی‌ها و هنرش دارد، این انتظار را به‌جود می‌آورد فیلمی با محوریت او جسور و غیرعادی و شوکه‌کننده باشد. اما فیلم ماری هازن که قبلاً در ۲ فیلم اولش، «هنر به اندی وارهل شلیک کردم» و «روانی آمریکایی»، نشانه‌هایی از دیوانگی و جسارت دیده شده، بیشتر شبیه تولیدات دست به عصای تلویزیونی است. فیلم پیش از هر چیز روی وابستگی دالی به همسرش گالا و رابطه عجیب این دو مکث می‌کند اما نمی‌تواند در این رابطه عمیق شود و علت علاقه دالی به گالا و تأثیری را که گالا به‌عنوان منبع الهام نقاشی‌های دالی روی او داشته، نمایش دهد. بازی کینگزلی به جای اینکه دالی را باقیه‌ای شیدا تصویر کند، از او احمق ناتوان می‌سازد. وضعیت تماشاگر به شخصیت جیمز شبیه است که در طول فیلم بیشتر از اینکه شیفته هنر دالی باشد، گیج و گنگ است و نمی‌داند چرا دارد و قتش را برای زندگی سطحی دالی حرام می‌کند.

راهنمای فیلم

بازار و زندگی‌ها!

این فیلم‌ها در پلتفرم‌های نمایش ایرانی در دسترس است

BlackBerry بلک‌بری

ژانر: کمدی درام زندگی‌نامه‌ای کارگردان: مت جانسون

بازیگران: گلین هاورتون، جی باروشل، مت جانسون، مایکل آیرونساید

داستان: سال ۱۹۹۶، مایکل لازاریدیس، مدیر اجرایی کمپانی ریم (RIM) و دوست و همکارش، داگ فرگین، می‌خواهند دستگاه تلفن همراه «پاکت‌لینک» را که ساخته‌اند به تاجری به نام جیم باسیلی معرفی کنند تا روی آن سرمایه‌گذاری کند. جلسه خوب پیش نمی‌رود اما بعد از اینکه باسیلی از کارش اخراج می‌شود، تصمیم می‌گیرد هر چه دارد روی موفقیت تجاری «پاکت‌لینک» بگذارد. باسیلی ابتدا با کمک مایکل، قراردادی سودآور با کمپانی ورایزن می‌بندد و «پاکت‌لینک» را به «بلک‌بری» تغییر نام می‌دهند. بعد بلک‌بری متخصصان زنده سایر شرکت‌های ارتباطی را با تطبیع به کار می‌گیرد و مدام وضعیتش بهتر می‌شود اما در سال ۲۰۰۷ با معرفی آیفون استیو جابز سقوط و بلک‌بری آغاز می‌شود.

IMDb
7.5/10

Rotten Tomatoes
98%



در صفحه‌ی پدیای کمپانی بلک‌بری آمده که بلک‌بری یک کمپانی گوشی هوشمند و سایر خدمات و لوازم مرتبط «بود» این «بود» یعنی حال‌دیگر نشانی از کمپانی‌ای نیست که روزگاری بیش از ۴۰۰۰ میلیارد دلار ارزش داشته و هوشمند را در اختیار داشت. فیلم «بلک‌بری» روایت همین ظهور و سقوط است و پشت پرده تجاری رشد و توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی را عیان می‌کند. برخلاف فیلمی مثل «استیو جابز» (دنی بویل، ۲۰۱۵) که شخصیت جابز و روابط خانوادگی و کاری‌اش در مرکز قرار داد، در اینجا روند اتفاقات مهم است. در فیلم به ۳ شخصیت اصلی بیش از آنچه در جریان حوادث اهمیت دارد، پرداخته نمی‌شود و برای همین شخصیت‌ها کمی تخت و تک‌بعدی هستند. سبکی که مت جانسون، کارگردان برای فیلمبرداری انتخاب کرده، به فیلم کیفیت مستندی خبری داده که با ضرباهنگ پرشتاب آن در تناسب است. «بلک‌بری» به‌طور ضمنی نشان می‌دهد سرمایه‌چطور می‌تواند شکل روابط انسانی را دستخوش تغییر کند و در نتیجه ناپایداری و دگرگونی به‌جزئی از زندگی کنونی انسان بدل شده است.

Ride On ریتا

ژانر: اکشن درام کارگردان: لری یانگ

بازیگران: جکی چان، هائوکان لیو و کیلین گائو

داستان: استاد لائو که متخصص مجرب بدلکاری است، به‌دلیل صدمه‌ای که ۸ سال پیش دیده، وضع مالی خوبی ندارد. لائو اسبی به نام خرگوش سرخ دارد که برایش مثل دوستی صمیمی است و در بدلکاری‌هایش از آن استفاده می‌کند اما به‌دلیل بدهی ممکن است آن را از دست بدهد. لائو دختری دارد که در رشته حقوق تحصیل می‌کند اما پس از مرگ مادر دخترش حضانت او را از دست داده و دیگر با او ارتباط نداشته است. لائو برای کمک گرفتن سراغ دخترش می‌رود و در ابتدا پس زده می‌شود، اما کم‌کم یخ رابطه‌شان آب می‌شود و دخترش با رفتارهای عجیب پدری که کارش همه‌چیزش است کنار می‌آید. با وجود همه تلاش‌ها لائو اسب را از دست می‌دهد اما صاحب جدید اسب آن را به لائو بازمی‌گرداند و رابطه لائو و دخترش هم سروسامان می‌گیرد.

IMDb
6.3/10

Rotten Tomatoes
54%



جکی چان تقریباً ۷۰ سال دارد و دیگر نمی‌شود از او انتظار داشت همان تروفوزی سه‌گانه «ساعت شلوغی» را داشته باشد. اما اگر قرار نیست فیلم جکی چان، جکی چانی باشد، پس قرار است چه چیزی به ما نشان دهد؟ سال ۲۰۱۷ جکی چان در فیلمی به نام «بیگانه» ساخته مار تین کمپل بازی کرد که تقریباً جابجا معقولی به این سؤال می‌داد. آن فیلم مثل فیلم‌های جوانی جکی چان پر از صحنه‌های زدوخورد و انرژی متراکم نبود اما در صحنه‌هایی که جکی چان دست به کار می‌شد، مبارزه کنترل‌شده و قابل‌قبولی که با سن و سالش تناسب داشت به نمایش می‌گذاشت. در «ریتا» که در ظاهر انرژی یک فیلم جکی چانی را دارد، اجرای صحنه‌های مبارزه‌صالت و هیجان ندارد. صرفاً تکرار بی‌مقنن قدیمی جکی هستند که نمی‌توانند تماشاگر را راضی کنند. بهترین قسمت فیلم ریتا از پایانی پشت صحنه آن به‌روال معمول فیلم‌های جکی است.